

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان، 15 جولای 2011

مخمس بر غزل "رحیم شیدا"

خوش است باده نوشین که عقل در ببرد ز بزم باده کشانم به فرق سر ببرد
ز شام غفلت دیرین سوی سحر ببرد کجاست می که مرا عالم دگر ببرد
به پا اگر نروم او مرا به سر ببرد
نشاط باده پرستان ز عالم دگر است سبوی باده پر از نور حکمت و هنر است
درین جهان که صغیر و کبیر در بدر است غم و نشاط جهان صدهزار درد سر است
بیار می که ز من جمله درد سر ببرد
شدم ز بخت فروزان سحر به میخانه که داشت حاجت رندان ثمر به میخانه
نداده ام دل و دین را مگر به میخانه گرفت محتسب بیخبر به میخانه
خدا کند که به رندان کس این خبر ببرد
علاج درد دلم کوشش طبیب نکرد هر آنچه یار بمن کرده بُد رقیب نکرد
اگر چه آتش دل جانیش لهیب نکرد فلک بشام و سحر جز غم نصیب نکرد
دعا کنید ز من شام و این سحر ببرد
جهان بکام دل دوستان نمیگردد قضا به مقصد دُردی کشان نمیگردد
غم نهفته عاشق عیان نمیگردد اگر بکام دلم آسمان نمیگردد
چهاره میشود ز دلم آرزو بدر ببرد

بداده ام بکـ ف ناز نازنینان دل هزار تیر جفا خـورده ام من بـمل
بیار تیموریا شعر خـوشتـر کامل محبت است که شیدا دهم بـمردم دل
وگـرنه کیست دل ما بزور و زر ببرد